

عنوان مقاله:

رابطه طبیعت با خدا در دستگاه فکری اسپینوزا

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های هستی شناختی، دوره 5، شماره 10 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

سیدمصطفی شهرآیینی - دانشیار فلسفه دانشگاه تبریز

خدیجه عباسی - کارشناس ارشد دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

رابطه خدا با طبیعت از مسایل دشواری است که در همه ادوار تاریخ فلسفه بدان پرداخته‌اند. در دوران نوزایی و اوایل دوره جدید، این بحث دیگر بار و به گونه‌های چالش‌انگیز مورد توجه قرار گرفت و از جمله کسانی که به تفصیل به تبیین ارتباط خدا با طبیعت پرداخت و دستگاه فکریاش را بر این محور بنیان نهاد، باروخ اسپینوزا می‌باشد. در مقاله پیش رو، رابطه خدا با طبیعت را در دستگاه فکری اسپینوزا بررسی می‌کنیم. در این باره در تاریخ فلسفه دو دیدگاه مطرح است: الف) خدا نابوری یا الحاد، به مه‌خداانگاری یا وحدت وجود. دیدگاه نخست را اهل کنیسه به اسپینوزا نسبت دادند و از فیلسوفان، هیوم او را قایل بدان میدانست. اما دیدگاه غالبتر در میان اسپینوزاشناسان، قول به وحدت وجود است که از این حیث، او را گاه با وحدت‌وجدیان در سنت‌های عرفانی مسیحیت و اسلام نیز می‌سنجند. البته دیدگاه سومی نیز در کار است به نام همه درخداایی که گرچه در ظاهر به دیدگاه دوم نزدیک است، با خدا نابوری سازگارتر است و در این مقاله میکوشیم با استناد به متون اسپینوزا و واکاوی دو دیدگاه رایج، بهویژه وحدت وجود، نشان دهیم که این دیدگاه سوم در تفسیر اندیشه اسپینوزایی از دو دیدگاه نخست، سازگارتر و مقرونتر به صواب است

کلمات کلیدی:

طبیعت، خدا نابوری، خدا نابوری، هم‌مه‌خداانگاری، هم‌مه‌درخداایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/643942>

